

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

موضوع: راهکارهای مبارزه با تفرقه و ایجاد وحدت (۱)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و ایام ربیع، ولایت و امامت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء)، میلاد نبی گرامی اسلام و امام صادق (سلام الله علیهما) را به همه شما عزیزان و گرامیان تبریک عرض می‌کنیم.

خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهیم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم قرار بدهد؛ ان شاءالله.

همانطور که عزیزان ما اشاره فرمودند موضوع بحث ما، راهکارهای جلوگیری از تفرقه و ایجاد وحدت میان امت اسلامی است. به نظر من این موضوع یکی از مشکل‌ترین و سخت‌ترین موضوعاتی است که امروز در جامعه با آن مواجه هستیم.

عده‌ای در جامعه اسلامی ما، هدفشان ایجاد تفرقه و درگیری و تکفیر و کشت و کشتار است، زیرا منافع خود را در آن می‌بینند. عده‌ای هم منادی وحدت هستند و تلاششان بر رفع تفرقه و ایجاد وحدت است.

تعدادی هم بی‌تفاوت هستند و کاری ندارند تفرقه‌ای صورت بگیرد یا وحدتی انجام شود، اما نباید به آن‌ها خطری برسد. به مجرد اینکه خطر متوجه آن‌ها می‌شود فریادشان به آسمان بلند می‌شود و "وا اسلاما" سر می‌دهند.

من قبل از اینکه اصل بحث را مطرح کنم چند سؤال در اینجا طرح می‌کنم که به این سؤالات باید خوب جواب داده شود. تا به این سؤالات جواب داده نشود، مسئله وحدت و رفع تفرقه مفهوم پیدا نمی‌کند و در خارج هم محقق نخواهد شد.

آیا هدف از ایجاد وحدت، شیعه کردن اهل سنت و سنی کردن شیعیان است؟! آیا ما با طرح وحدت، می‌خواهیم اهل سنت را به طرف تشیع دعوت کنیم و آن‌ها هم شیعه را به طرف اهل سنت دعوت کنند؟! قطعاً چنین نیست!

آیا مراد از وحدت، کوتاه آمدن هریک از سنی و شیعه و تشکیل یک مذهب التقاطی است؟! قطعاً این هم نیست. چنین نیست که ما چیزی را از شیعه و چیزی را از اهل سنت کسر کنیم و یک مذهب جدیدی را که همگی بر او اتفاق نظر داریم و از قطعیات است را بپذیریم. قطعاً چنین هم نیست.

آیا مراد از وحدت، اخذ مشترکات و ترک مختصات هریک از مذاهب اسلامی است؟! قطعاً تصور این فرض اشتباه است، زیرا مختصات هریک از مذاهب اسلامی جزئی از ماهیت و مقوم آن مذهب است. امکان‌پذیر نیست که ما از طرفداران یک مذهب بخواهیم مقوم یک مذهب را به خاطر وحدت ترک کنند.

«شهید مطهری» تعبیری دارد که تعبیر بسیار زیبایی است. عزیزان دقت کنند «مرحوم شهید مطهری» در کتاب «امامت و رهبری» بحث امامت و رهبری را مطرح می‌کند و سپس می‌گوید بحث وحدت یکی از ضروریات جهان اسلام است و بعد می‌پرسد: اگر از ضروریات جهان اسلام است، آیا بحث امامت به وحدت ضربه می‌زند یا نمی‌زند؟

ایشان می‌گوید: "ما شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل بیت (علیهم السلام) را داریم. کوچک‌ترین چیز حتی یک مستحب و مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی‌دانیم." الحق این حرف، حرف دل هر شیعی است.

حال بعضی افراد به نام وحدت می‌خواهند تراش شیعه را حراج کنند و چوب حراج بر مبانی اعتقادی شیعه بزنند که ما کاری با آن‌ها نداریم.

حرف دل هر شیعه این است که ما به خاطر وحدت حاضر نیستیم از یک مستحب کوچک و یا مکروه کوچک دست برداریم. نه توقع کسی را در این زمینه می‌پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد

اسلامی، از یک اصل از اصول خود دست بردارد. اگر وحدت این است، همه طرفدار وحدت هستند و کسی مخالف وحدت نیست.

حال اگر مبنای وحدت این است که ما به خاطر رعایت وحدت از یک سری از اصول و مسلمات خود دست برداریم، این مبنا نه با قرآن تطبیق می‌کند، نه با سنت تطبیق می‌کند، نه با روش و سیره ائمه اطهار و نه با مبنای فقها و بزرگان ما در طول تاریخ تطبیق نمی‌کند.

ان شاءالله خداوند از سر تقصیرات همه ما بگذرد؛ جناب آقای «واعظ زاده خراسانی» در سال ۱۳۷۴ یا ۱۳۷۵ در مجله «نهج البلاغه» مقاله‌ای داشتند که فرمایشات ایشان قلب بسیاری از مراجع را به درد آورد.

ایشان در آنجا می‌گویند که ما باید برای وحدت دو کار انجام دهیم؛ کار اول اینکه از اصل امامت دست برداریم، زیرا با تکیه بر اصل امامت، اهل سنت از ما گلایه می‌کنند که شما صحابه را به خیانت در حق پیغمبر اکرم متهم می‌کنید.

پیغمبر اکرم فرموده است که علی خلیفه است، اما صحابه نپذیرفتند. با تکیه بر امامت ائمه از جمله امیرالمؤمنین صحابه زیر سؤال می‌روند و اهل سنت هم حاضر نیستند که صحابه زیر سؤال بروند.

کار دوم این است که ما باید تلاش کنیم برای مشروعیت خلافت شیخین ادله به دست بیاوریم. او سپس می‌گوید: من از طرفداران حوزه‌های علمیه و دانشجویان تقاضا می‌کنم که به دنبال دلیل بگردند!!!

اگر وحدت چنین است نه خداوند آن را قبول دارند، نه پیغمبر اکرم آن را قبول دارند، نه ائمه اطهار آن را قبول دارند و نه هیچ بچه شیعه‌ای آن را قبول ندارد.

من در ذهن دارم این مقاله در «مجله نهج البلاغه» شماره چهار یا پنج بود. البته ایشان قبل از آن در «مجله هفت آسمان» هم فرمایشاتی داشتند که حضرت آیت الله العظمی سبحانی و دوستان دیگر به او جواب دادند، اما ایشان در «مجله نهج البلاغه» آمدند حرف دلشان را زدند.

حضرت آیت الله العظمی سبحانی روی محبت و بزرگواری که داشتند به من فرمودند که شما جوابی بنویسید. من گفتم: شما در «مجله هفت آسمان» جواب نوشتید، اما نتیجه برعکس شد.

جناب آقای «دین‌پرور» (حفظه الله تعالی) مدیر تخصصی «نهج البلاغه» با ما تماس گرفتند و گفتند که شما جواب بنویسید. من گفتم که حاضر نیستم به این میدان بیایم و دلیل آن را هم گفتم. حضرت آیت الله خزعلی که عضو هیئت تحریریه «مجله نهج البلاغه» بودند، به بنده فرمودند که شما جوابی بنویسید و من گفتم که ما حاضر نیستیم جواب بدهیم و دلیل آن را هم گفتم.

روزهای شبانه آیت الله خزعلی برای تدریس تفسیر به قم می آمدند و ورودشان به منزل ما بود. ایشان بعد از نهار استراحتی کردند و وقتی که بلند شدم دیدم که ایشان به صورت غیر طبیعی می‌خندند.

وقتی علت خنده ایشان را پرسیدم، ایشان فرمودند: وقتی که خوابیدم خواب دیدم امام رضا (علیه السلام) و من و شما در مجلسی نشستیم. شما از آن تیرهایی که در زمان سابق در جنگ‌ها بود دست گرفتید و می‌خواهید جایی را هدف بگیرید و دودل هستید.

امام رضا فرمود: آقای قزوینی بزنید. امام رضا به من فرمودند: آقای خزعلی به آقای قزوینی بگویید بزند. شما تیر را زدید و به هدف خورد.

منظور آیت الله خزعلی این بود که امام رضا خراسانی است و آقای «واعظ زاده» هم خراسانی است. ظاهراً انتظار است که شما جواب بدهید.

با توجه به اینکه ما از سال ۱۳۵۱ خدمت آیت الله خزعلی مکاسب می‌خواندیم، به ایشان ارادت داشتیم و من ایشان را واقعاً مردی مهذب و متدین و زاهد یافتم. ایشان امام رضا را در خواب دیده بودند و ما هم همانند بچه دبستانی که با این تشویق‌ها شیر می‌شود جواب دادیم.

بنده در عرض هفت، هشت روز، مقاله‌ای هفتاد، هشتاد صفحه‌ای نوشتم. این قضیه داستان مفصلی دارد و این مقاله برای ما برکات زیادی داشت. شاید این جوابیه نقطه عطفی در تاریخ حوزوی ما شد. الحمدلله این مقاله چاپ شد و عنایت امام رضا (علیه السلام) از اول شامل حال ما بوده و دوستان می‌توانند جوابیه ما را در «مجله نهج البلاغه» شماره شش یا هفت ببینند.

خداوند آیت الله العظمی فاضل لنکرانی را بیمارزد. بنده هرگاه خدمت ایشان می‌رسیدم ایشان خیلی بزرگوار بودند و ذره پروری ایشان بسیار برای بنده مشهود بود. ایشان می‌فرمودند: فلانی من جوایبه شما را چند بار خواندم و بهتر از این نمی‌شد جواب داد.

دوستان عزیز ببینید اگر وحدت به این معناست که ما از امامت دست برداریم، من به صراحت بگویم که هزاران نفرین و لعنت بر این وحدتی که ما بخواهیم به خاطر آن از اصل امامت که رکن رکین دین است دست برداریم.

به تعبیر «مرحوم مطهری» امامت که هیچ، ما حاضر نیستیم از یک مستحب کوچک یا مکروه کوچک دست برداریم. ایشان تعبیر زیبایی دارد که بسیار زیباست. بنده واقعاً از خواندن آثار این بزرگوار لذت می‌برم. ایشان در ضمن اینکه در محیط‌های دانشگاهی بود و معارف شیعی را بسیار زیبا بیان می‌کرد، تلاش می‌کرد که همین وحدتی که مورد نظر قرآن کریم است؛

(وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا)

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۳

را پیاده کند. ایشان می‌گوید: "آرزوی ما این است که محیط حسن تفاهمی بوجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه و حدیث و کلام و فلسفه و تفسیر و ادبیاتی داریم، بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم تا شیعه بیش از این در حال انزوا بسر نبرد. نباید بازارهای مهم جهان اسلام به روی کالای نفیس معارف شیعه بسته باشد."

ایشان سپس می‌نویسد: " اخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصات هر فرقه ای نوعی خرق اجماع مرکب است و محصول آن چیزی است که قطعاً غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالاخره مختصات یکی از فرق جز متن اسلام است و اسلام مجرد از همه این مشخصات و ممیزات، وجود ندارد."

ایشان سپس بحث دیگری را از حضرت آیت الله العظمی بروجردی مطرح می‌کند که تقریباً بنیان‌گذار وحدت در این صد سال اخیر بودند و جناب آقای قمی را به عنوان نماینده خود به الأزهر فرستادند و در آنجا بحث وحدت جهان اسلام را پی‌ریزی کردند؛ می‌گوید:

"آنچه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بدان می‌اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حسن تفاهم امکان‌پذیر نیست."

این نگاه به وحدت یک نگاه مبارک و مقدسی است. ما باید تلاش کنیم برای ایجاد چنین وحدتی تمام تلاش خود را به کار بگیریم. ایشان یک تعبیری دارد و آن این است: "برای ایجاد چنین وحدتی طرفداری از تز اتحاد اسلامی ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود."

دوستان می‌توانند مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی» (شش مقاله) به قلم شهید مطهری را ملاحظه بفرمایند.

امروز می‌بینیم بعضی از آقایان حاضر نیستند بسیاری از حقایق را مطرح کنند. آن‌ها نه تنها نسبت به عدم شایستگی خلفا برای منصب خلافت، بلکه برای اثبات حقانیت ائمه اطهار و امیرالمؤمنین هم حقایق را بیان نمی‌کنند. با این بهانه که موجب رنجش آن‌ها می‌شود!!

یکی از فضیله‌های حوزه در جلسه‌ای گفته بود که "اصلاً این مستبصرین که شیعه می‌شوند خطرشان از داعش بیشتر است. ما ندیدیم روایتی که ائمه اطهار دستور داده باشد که شما اهل سنت را به طرف مذهب شیعه دعوت کنید!!"

من واقعاً نمی‌دانم این بزرگواران در طول مدتی که در حوزه علمیه هستند چکار کردند. آن‌ها تنها به فقه و اصول و نحو و صرف پرداختند و به مبانی اعتقادی نگاه نکردند. آن‌ها فرهنگ غلطی را در ذهن خود تصور کردند و آن را به عنوان فرهنگ اهل بیت عرضه کردند.

اگر این افراد حداقل دو جلد «اصول کافی» را مطالعه بکنند ده‌ها روایت از ائمه اطهار می‌بینند که آن بزرگواران به صحابه دستور می‌دهند که با مخالفین مناظره کنید تا جایی که می‌فرمایند:

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰، ص ۴۵۲،

باب ۲۶ نوادر الاحتجاجات و المناظرات

من ان شاء الله فرداشب این روایات را با تصویر کتابها نشان می‌دهم. ائمه اطهار (علیهم السلام) نیروهای مقتدری را تنها برای مناظره تربیت کردند.

افرادی همانند «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «مؤمن الطاق» و دیگر شاگردان آن بزرگوار تربیت شدگان مکتب امام باقر و امام صادق تنها در زمینه مناظره هستند.

زمانی که مرد شامی می‌آید امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: یا زراره! بلند شو و مناظره کن. یا مؤمن الطاق! بلند شو و مناظره کن. یا هشام بن سالم! بلند شو و مناظره کن. یا هشام بن حکم! بلند شو و مناظره کن.

متأسفانه این افراد مقداری از مبانی اهل بیت (علیهم السلام) بی‌خبر هستند و تقصیر هم ندارند. جهل به حقایق بدترین مریضی است. من نمی‌خواهم بگویم این افراد می‌دانند و عناد دارند و من چنین گمانی نسبت به این افراد ندارم. این افراد نمی‌دانند و اهل مطالعه و تحقیق نیستند و یک سری چیزهایی در ذهنشان پروراندند که آن را به عنوان فرهنگ اهل بیت به خورد جمعیت می‌دهند.

آقایان ادعا می‌کنند که ما روایاتی که ائمه اطهار به ما دستور به مناظره با اهل سنت داده باشند را نداریم. خب بفرمائید ملاحظه کنید که راوی خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌آید و عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله! تعدادی از بستگان ما اهل سنت هستند. اگر آن‌ها را به تشیع دعوت کنم احتمال می‌دهم که حرف من را بپذیرند.

حضرت فرمودند: حتماً این کار را انجام بده و حتماً آن‌ها را به سمت اهل بیت و مذهب شیعه دعوت کن.

ما یک روایت یا دو روایت یا سه روایت نداریم. اگر نگوییم متواتر است، این روایات فوق استفاضه است که ائمه اطهار (علیهم السلام) دستو می‌دهند با دیگران بحث و مناظره کنید. و اگر در مناظره زیر بار نرفتند؛

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۵۱۴.

ح ۱

لذا ایشان می‌گوید: "تز اتحاد اسلامی ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود." حرف مهم‌تر و حساس‌ترین بحث وحدت و تفرقه این است که ایشان می‌گوید: "آنچه نباید صورت بگیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد."

اینکه ما به خلفا توهین و ناسزا بگوییم و انتظار داشته باشیم حرف ما را بپذیرند اصلاً از عقل به دور است. اگر به فلان خلیفه توهین و ناسزا بگوییم و در کنار آن مطاعنی را مطرح کنیم قطعاً درست نیست و خلاف نظر قرآن کریم است. قرآن کریم به صراحت حتی نسبت به بت پرستان می‌فرماید:

(وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

(معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبادا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند.

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۸

و:

(وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)

و به مردم نیک بگوئید.

سوره بقره (۲): آیه ۸۳

خداوند متعال نمی‌فرماید: «و قُولُوا لِلْمُؤْمِنِينَ حُسْنًا». بلکه می‌فرماید «وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» لذا فحش و اهانت و ناسزاگویی به مخالف، با منطق قرآن کریم و ائمه اطهار سازگار نیست.

بنده یک شب همین جا عرض کردم روایتی از «مرحوم شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «الإعتقادات» خود صفحه ۱۰۷ می‌آورد و «مرحوم مجلسی» هم در کتاب «بحار الانوار» جلد ۷۱ صفحه ۲۱۷ آن را آورده است که:

«قِيلَ لِلصَّادِقِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

حضرت از چنین فردی تشکر نکرد، بلکه فرمود:

«مَا لَهُ - لَعْنَةُ اللَّهِ»

چه مرضی دارد؟ خدا او را لعنت کند.

إعتقادات الإمامية، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۰۷، باب [۳۹] باب الاعتقاد فی التقیة

این روایت در کتاب «إعتقادات» اثر «شیخ صدوق» وارد شده است و دوستان می‌توانند آن را مطالعه کنند. بنده همین جا تصویر کتاب «بحار الانوار» را دارم. در این کتاب جلد ۷۱ چاپ ایران وارد شده است:

«وَ فِي الْإِعْتِقَادَاتِ عَنْهُ ع أَنَّهُ قِيلَ لَهُ إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يُسَبُّهُمْ فَقَالَ مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ تَعَرَّضَ بِنَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱، ص ۲۱۷، ح ۴۷

منطق ائمه اطهار چنین بوده است. البته این قضیه منافات با «برائت» ندارد. حضرت آیت الله شبیری زنجانی تعبیری داشتند و بارها به من می‌فرمودند: بدون تبری، تولى تحقق پیدا نمی‌کند. شما تا «لا إله» نگویید، «إلا الله» تحقق پیدا نمی‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ)

هر گاه از آن‌ها پرسى چه كسى آسمان‌ها و زمين را آفریده، و خورشيد و ماه را مسخر کرده است؟ می‌گویند: الله، پس با اينحال چگونه (از عبادت خدا) منحرف می‌شوند؟

باید تبرئه از خدایان دروغین بگوییم تا «الله» معنا پیدا کند. این‌ها کاملاً واضح و روشن است، اما برائت چیزی نیست که ما بالای منبر، در شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی، در رادیو و تلویزیون و مسجد شروع به فحش و لعنت و سب کردن کنیم. سیره و روش ائمه اطهار این چنین نبوده است. ائمه اطهار برائت را به بهترین نحو داشتند، اما در تعقیبات نماز یا قنوت نماز از دشمنان برائت می‌جستند.

امیرالمؤمنین بعد از برخاستن از رکوع از دشمنان تبری می‌کردند. رسول اکرم در نماز دشمنان خود را نفرین می‌کردند. در مورد امام صادق (علیه السلام) وارد شده است:

«يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ فَلَانٌ وَ فَلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فَلَانَةٌ وَ فَلَانَةٌ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مُعَاوِيَةَ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳، ص ۳۴۲،

ح ۱۰

شما هم نزد خود و خدای خود هرآنچه می‌خواهید را انجام دهید و کسی هم جلوی شما را نمی‌گیرد که چرا این مسائل را مطرح می‌کنید.

در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۴۳۲ روایتی وارد شده است و «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب الأحکام» جلد دوم ۳۲۱ روایتی را با سند صحیح می‌آورد. البته سند «کافی» مقداری مشکل دارد، اما سند «تهذیب الأحکام» صددرصد صحیح است.

«مرحوم محمد تقی مجلسی» هم در کتاب «روضة المتقین» به صحت روایت تصریح دارد. در کتاب «تهذیب الأحکام» جلد دوم صفحه ۳۲۱ وارد شده است:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ- الثَّمِيمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فَلَانَةٌ وَ فَلَانَةٌ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مُعَاوِيَةَ»

مشاهده کنید که امام صادق نه بالای منبر، نه در مسجد حتی نه جلوی همسر و فرزندانشان بلکه بعد از هر نماز بر دشمنانشان نفرین می‌کردند. دوستان عزیز رمز و رموزی وجود دارد. مشاهده کنید که در روایت قبل وارد شده است:

«إِذَا انْحَرَفَتْ عَنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَلَا تَنْحَرِفْ إِلَّا بِانْصِرَافِ لَعْنِ بَنِي أُمِيَّةٍ»

مشاهده کنید که به فرموده امام صادق زمانی که نماز می‌خوانید از جا بلند نشوید قبل از آنکه بنی امیه را لعن کنید. ما این روایات را داریم، اما هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد! در حال حاضر ایام ربیع است و قضایای عید الزهرا مطرح است. ما باید دقت کنیم.

آیت الله العظمی بهجت (رضوان الله تعالی علیه) تعبیری دارند و می‌فرمایند: اگر شما در قم و تهران و تبریز و شیراز در جلسه عید الزهرا به مقدسات اهل سنت توهین کنید و در آن طرف دنیا به یک شیعه توهین کنند و خون از بینی یک شیعه جاری شود شما در آن سهیم هستید. شما با این کار فردای قیامت شریک و مسئول هستید. دوستان در گوگل "آیت الله العظمی بهجت + عید الزهرا" را جستجو کنند. شاید دویست سایت این فرمایش ایشان را دارد.

ما نه بنا داریم با وحدت مخالفت کنیم و نه با تفرقه همخوانی داریم. مذهب شیعه و اهل بیت این است. ما در مباحث بیان حقایق نسبت به امیرالمؤمنین کوتاه نمی‌آییم. به تعبیر مقام معظم رهبری ما در دفاع از امیرالمؤمنین هیچ خط قرمزی برای خودمان قائل نیستیم.

«مرحوم علامه امینی» به قدری زیبا وارد شده است که امشب فرصت بیان مطالب ایشان نیست. دوستانی که کتاب

«الغدیر» را در منزل دارند، جلد هفتم صفحه ۷۳ را مطالعه کنند.

ایشان می‌خواهد مطاعن خلفا از جمله ابوبکر را مطرح کند. زمانی که می‌خواهد جهل و جنایات و ظلم و حمله ابوبکر به خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مطرح کند، ابتدا چندین سطر آنچنان از ابوبکر تجلیل می‌کند که انسان متعجب می‌شود.

ایشان ابتدا در چندین سطر مطالبی می‌آورد که اگر در «الغدیر» نبود، بنده خودم باور نمی‌کردم که «علامه امینی» این مطالب را بیان کرده باشند. ما در خیلی جاها حرف‌های ایشان را برای اساتید و علما نقل کردیم و آن‌ها معتقدند که اصلاً از «علامه امینی» بعید است که چنین حرف‌هایی بزنند.

ایشان ابتدا تجلیل می‌کند و سپس نقدهای خود را هم دارد. بنده نظرم این بود که این مطالب را فرداشب خدمت عزیزان بیان کنم، اما دوستان همین مقدار را داشته باشند. روش ما باید به این شکل باشد که ببینیم بزرگان ما نسبت به قضایا با چه نحو برخورد می‌کنند.

در کتاب «الغدیر» جلد هفتم صفحه ۷۳ قبل از اینکه وارد شود تعابیری دارد که اصلاً از «علامه امینی» چنین تعابیری ساخته نیست. ایشان زمانی که می‌خواهند مطلب را بیان کنند، می‌فرمایند: ما با ابوبکر و عمر دعوا و مشکلی نداریم. آن‌ها اسلام آوردند و در صدر اسلام بودند و هجرت کردند.

انسان زمانی که می‌خواهد دشمن را هم بگوید تلاش کند منصف باشد. اگر طرف مقابل او چندین نقطه مثبت هم دارد ابتدا نقاط مثبت او را بگوید تا طرف احساس نکند ما تنها یک طرف را می‌بینیم. ایشان می‌نویسد:

«ومن اللازم المحتوم علينا النظرة في تراجم الشخصيات البارزة من رجال الاسلام سلفا وخلفا بعين الإكبار دون عين رمصة، ولا سيما من عرف منهم بالخلافة الراشدة بين الملأ الديني ولو بالانتخاب الدستوري الذي ليس له أي قيمة وكرامة في سوق الاعتبار، وميزان العدل»

«بالانتخاب الدستوري» به معنای انتخابات رسمی است. ایشان سپس می‌نویسد:

«فصاحب النبي الأعظم في الغار، والمهاجر الوحيد معه في الرعيل الأول من المهاجرين السابقين يهمننا إكباره وإعظامه، ويعد من الجنايات الفاحشة بخس حقه، والتقصير في تحديد نفسياته، والخروج عن قضاء العدل فيها، والنزول على حكم العاطفة»

الغدیر، نویسنده: الشیخ الأمینی، ج ۷، ص ۷۳

کسی نمی‌تواند «علامه امینی» را به اینکه نسبت به امیرالمؤمنین کوتاه آمده است متهم کند. ایشان ابتدا این حرف‌ها را می‌زند و سپس شروع می‌کند کارهای خلاف شرع و خلاف دین و خلاف عقل و خلاف مروت را مطرح می‌کند.

«علامه امینی» سپس حرف‌هایی می‌زند که اگر امروز کسی بالای منبر بزند بلافاصله ادعا می‌کنند که این شخص وحدت را به هم زده است و علیه او پرونده سازی می‌کنند.

مشاهده کنید این روش، روش بزرگان ما بوده است. ما باید تلاش کنیم که این روش را امروز در جامعه احیا کنیم. حال اینکه ما بخواهیم با فحش و اهانت حقایق را بیان کنیم با قرآن کریم، سیره ائمه اطهار، سیره علما و فقهای ما تطبیق نمی‌کند. صلواتی ختم بفرمایید.

پرسش:

آیا حذف مطاعن خلفا در کتابی همانند «بحار» کار درستی است؟

پاسخ:

به نظر بنده امروزه در کشورهای اسلامی قطعاً چاپ و نشر آن به صلاح جهان اسلام نیست. وهابیت به دنبال این هستند که از هر بهانه‌ای برای کشتن شیعه استفاده کنند. جلد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ این کتاب در ایران چاپ شد، اما مشخص نشد که چه کسی آن را چاپ کرده است و به چه نحو بوده است و این کتاب در دسترس است.

پرسش:

درباره جریان «أحمد الحسن» کمی توضیح دهید.

به طور کلی امروزه در مسائل سیاسی مخصوصاً نظر مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید برای ما میزان است و ما با این میزان و این خط کش دیگران را هم مورد مطالعه قرار می‌دهیم. هرکسی از این خط کش کم آمد او را متهم به تفریط می‌کنیم و هرکسی از این خط کش اضافه رفت او را متهم به افراط می‌کنیم.

ما کاری نداریم و این سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) برای ما هست و آیات الهی برای ما هست. این مطالب بسیار واضح و روشن است.

در رابطه با «احمد الحسن» هم شاید دوشنبه شب صحبتی بکنیم. ما بنا به توصیه یکی از اعظام جزوه‌ای را هم قبل از اربعین چاپ کردیم که جزوه کوچکی است. در این جزوه پنجاه سؤال کمرشکن از طرفداران احمد الحسن پرسیدیم که همگی هم مستند است.

ان شاءالله ما این جزوه را اینجا می‌آوریم و خدمت دوستان توزیع می‌کنیم. جناب آقای جلیلی بزرگواری کنند و این جزوه را بگیرند. قرار شد که ما پانصد جزوه خدمت شما بدهیم که اگر خواستید جاهای دیگر هم توزیع بفرمایید داشته باشید. بنده بارها گفتم که قضیه «أحمد الحسن» از قضیه داعش و منافقین هم خطرناک‌تر است. متأسفانه ما دشمن را کوچک می‌شماریم برخلاف نظر امیرالمؤمنین که فرمودند:

«لَا تَسْتَضِغِرَنَّ عَدُوًّا وَ إِنِّ ضَعْفٌ»

دشمن را کوچک نشمارید، هرچند در نزد شما کوچک است.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، ص

۵۱۸، ح ۹۴۱۲

حتماً این افراد باید چند ترور یا انفجار انجام دهند که قضیه به امنیت ملی تبدیل شود بعد همه بزرگان آگاه بشوند. این افراد واقعاً خطرناک هستند. در بخش جعفریه قم خطیب جمعه طرفداران «احمد الحسن» به طرفداران خود می‌گوید:

"شما کتاب‌ها و لوازم منزل خود را بفروشید و اسلحه تهیه کنید تا منتظر دستور «امام احمد الحسن» باشید. ما باید شروع کنیم مراجع تقلید را از نجف پانصد نفر پانصد نفر قتل عام کنیم تا زمینه آمدن حضرت ولی عصر را فراهم کنیم." بنده واقعاً تأسف می‌خورم از یک سری از طلاب بی‌سواد و جاهل یا به تعبیر دیگر «نفهم» که جذب این افراد می‌شوند. وهابیت حرفی برای گفتن دارند. دواعش که تا این اندازه انسان‌های پستی هستند از میان لاطائلات، شاید حرف‌های درستی هم بزنند که انسان باید خود را به زحمت بیندازد تا جواب آن‌ها را بدهد، اما طرفداران «احمد الحسن» هیچ حرفی برای گفتن ندارند.

بنده تک تک کتاب‌هایی که «احمد الحسن»، «ناظم العقیلی» یا «جوکار» نوشته است - که مدعی است من در حوزه علمیه رسائل و مکاسب تدریس می‌کنم و از لیدرهای یمانی دروغین است - را دیده‌ام. کتاب‌های خود را برای ما فرستاد و بنده مطالعه کردم.

خدا شاهد است و قسم به والله العلی الاعلی یک حرفی که خود را به زحمت بیندازم و ده دقیقه بگردم جواب برای آن فراهم کنم نیافتم. این افراد به قدری از معارف شیعه پرت هستند که حد و حساب ندارد.

ما در مسجد حضرت زینب واقع در پردیسان در این خصوص صحبت می‌کردیم. در جلسه اول یکی از همین طلبه‌ها بلند شد و کاغذی در دست داشت و گفت: شما که تا این اندازه در مورد «احمد الحسن» حرف می‌زنید، مراد از احتجاج فلانی به «احمد الحسن» است.

من گفتم: عبارت خود را بگویید تا آن را بنویسم. بنده در نرم افزار کامپیوتر خود دویست و پنجاه هزار جلد کتاب دارم. هر کلمه‌ای که او گفت من زدم و نیامد، سپس به او گفتم که کاغذ خود را بدهید. زمانی که کاغذ خود را به من داد، دیدم که کلمه «احتجاج» را با «ه» نوشته است!! بنده گفتم: طلبه‌ای که بلد نیست احتجاج با کدام «ح» نوشته می‌شود، مبلغ «احمد الحسن» شده است.

بنده در این زمینه دوشنبه شب صحبت می‌کنم و اگر بتوانم فایل پاورپوینتی آماده می‌کنم در اختیار دوستان قرار می‌دهم تا در اختیار عزیزان باشد.

الحمدلله امسال در اربعین برخلاف اربعین‌های سال گذشته که میدان داشتند، تبلیغات زیادی نتوانستند انجام دهند. طرفداران «احمد الحسن» سال گذشته ۶۰ موکب در میانه راه نجف تا کربلا داشتند. امسال ما قبل از اربعین همایشی گذاشتیم که حدود ۶۰ تن از طلاب و فضایی که در سطح کشور از خراسان گرفته تا اهواز و تبریز بودند را در قم جمع کردیم.

ما در این همایش بخشی از تجربیات خود در مواجهه با وهابیت را به این بزرگان منتقل کردیم. جناب آقای «اعرافی» هم زحمت کشیدند و سخنرانی زیبایی کردند. من به دوستان توصیه می‌کنم سخنرانی ایشان را در رابطه با قضیه «احمد الحسن» بشنوند.

ما فایل صوتی و تصویری و متنی این سخنرانی را در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» گذاشتیم.

الحمدلله دوستان ما در ایام اربعین رفتند و ما هم الحمدلله رب العالمین به برکت دعای اهل بیت با تبلیغاتی که دشمن کرد تا آمار زائرین اربعین کم باشد شکر خدای عالم امسال از ایران بیش از سال گذشته زائر برای زیارت کربلا رفتند.

ما امسال برای بیش از هزار تن از طلبه و غیر طلبه ویزا تهیه کردیم. جالب اینجاست که دوستان ما از بصره پول فرستادند تا ما برای طلبه‌ها ویزا بگیریم و آن‌ها را برای اربعین بفرستیم.

خیلی جالب است که از عربستان سعودی برای ما پول فرستادند که برای طلبه‌ها و کسانی که می‌خواهند بروند مشکل مالی دارند ویزا تهیه کنید. ما در قم و تهران برای نزدیک به ۹۵۰ نفر ویزا تهیه کردیم که برای زیارت اربعین رفتند.

دوستانی که ما روی آن‌ها کار کرده بودیم به «موکب ۵۱۹» که طرفداران احمد الحسن به آن تفرعن می‌کردند رفته بودند و با آن‌ها بحث کرده بودند. سه روز قبل از اربعین امنیت ملی عراق آمد و تمام موکب «احمد الحسن» را بست و مبلغین آن را هم دستگیر کرد و به زندان انداخت.

الحمدلله رب العالمین امسال در ایام اربعین میان راه نجف و کربلا از تبلیغات کفرآمیز طرفداران «احمد الحسن» پاک شد. ان شاءالله بعد از این هم ما باید مقداری دقت کنیم.

بنده به عزیزان توصیه می‌کنم که روی این زمینه کار کنند. ما در این جزوه کوچک جیبی ۵۰ سؤال طرح کردیم که همگی مستند است. دوستان این جزوه را داشته باشند و در اختیار کسانی که فریب خورده هستند بدهند.

پرسش:

نظرتان پیرامون «دهه محسنیه» چیست؟

پاسخ:

دوستان عزیز ببینید ما دو ماه مردم را به عزاداری دعوت کردیم. اینکه ما دوباره دهه محسنیه بگیریم خواست دشمن است. دشمن همین را می‌خواهد که جوانان ما را با عزاداری مشغول کنند و ادعا کنند که دین اسلام و مذهب شیعه تنها مذهب گریه است.

برخلاف فرمایشات ائمه اطهار که می‌فرمایند:

«شِيعَتْنَا يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَ يَخْزَنُونَ بِخَزْنِنَا»

تحف العقول، نویسنده: ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ص ۱۲۳، باب آدابہ ع لأصحابہ و ہی أربعمائة باب

للدین و الدنيا

این قضایا هست و در آن شکی نیست. اگر چنین باشد که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بنی امیه برای ما یک روز شادی نگذاشتند.

شما در ایام سال هیچ ماهی ندارید که در آن ماه اتفاق ناگواری برای اهل بیت (علیهم السلام) نیفتاده است. ولی ما به جای آن می‌توانیم حقایق مذهب اهل بیت را بیان کنیم، حقانیت امیرالمؤمنین و ادله کافی و وافی از کتاب و سنت در فضای مجازی مطرح کنیم.

باید بیائیم ادله کسانی که معتقد به خلافت ابوبکر هستند را عالمانه نقد کنیم. به نظرم اگر طلبه ای بیاید ادله‌ای که این افراد طبق آن ادله، امیرالمؤمنین را کنار گذاشتند و ابوبکر را آوردند را نقد و بررسی کند و در اختیار مردم قرار دهد، این

کار اساسی است. باید ببینم دلیلشان بر خلافت ابوبکر چیست. اگر اجماع صحابه است یا دیگر موارد آنها را برای مردم بیان کنیم. ما این موارد را از مبانی خودشان مطالعه کنیم و جوابشان را در فضای مجازی پخش کنیم. جوانان اهل سنت که از روی جهل و عدم آگاهی جذب این مسائل شدند را، به تعبیر امام صادق به امر امامت و تشیع دعوت کنیم.

پرسش:

با توجه به حدیث: «اذکروا موتاکم بالخیر» شما به آقای «واعظ زاده خراسانی» توهین کردید.

پاسخ:

بنده به آقای «واعظ زاده خراسانی» توهین نکردم و تنها گفتم خداوند از سر تقصیرات همه ما بگذرد. اگر بخواهیم با این دید به حدیث «اذکروا موتاکم بالخیر» بنگریم باید به طور کلی نسبت به کسانی که در حق ائمه اطهار جفا کردند نباید حرف بزنیم.

ملاک برای ما ائمه اطهار، مراجع عظام تقلید و بزرگانی همانند «شهید مطهری» هستند. حتی اگر بنده هم خلاف نظر مراجع حرف بزنم، زنده باشم یا مُرده وظیفه دیگران است که حرفهای مرا نقد کنند. اگر ما حرفهای دیگران را نقد نکنیم امر بر جوانان ما مشتبه می‌شود.

پرسش:

آیا تعبیر «امیرالمؤمنین» از زبان ائمه اطهار در خصوص دیگران هم به کار رفته است؟

پاسخ:

ما از امام صادق (علیه السلام) زیاد داریم که نسبت به «منصور دوانیقی» واژه امیرالمؤمنین را به کار بردند. امام رضا (علیه السلام) نسبت به «هارون» واژه امیرالمؤمنین را به کار بردند. این مباحث، بحث تقیه است. ائمه اطهار فرمودند:

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۲۱۷،

ح ۲

ما در روایات صریح و صحیح داریم که کلمه امیرالمؤمنین تنها از القاب حضرت علی (سلام الله علیه) است و نسبت به دیگر ائمه اطهار نمی‌توانیم این واژه را اطلاق کنیم.

متأسفانه در کتاب «صحیح بخاری» حدود ۶۵ مورد واژه امیرالمؤمنین آمده است که از این میان حدود ۳۵ مورد آن در رابطه با خلیفه دوم است، و چند مورد در رابطه با معاویه و دیگران است. ما یک مورد ندیدیم که در کتاب «صحیح بخاری» از حضرت علی (سلام الله علیه) واژه امیرالمؤمنین اطلاق شود.

مظلومیت امیرالمؤمنین این است! باید این مسائل را برای مردم و جوانان اهل سنت بیان کرد. اهل سنت حضرت علی را قبول دارند و آن بزرگوار را دوست دارند.

پرسش:

در رابطه با شیعه انگلیسی و هفته برائت مطالبی را بیان کنید.

پاسخ:

بنده جلسه قبل عرض کردم این‌ها حدود پنج، شش سال قبل در رسانه‌های خود "هفته برائت" را مطرح کردند. مقام معظم رهبری برای آن‌ها پیغام تندی داد و فرمود: اگر شما این کارها را انجام دهید، جای شما در ایران نیست و باید به کشور دیگری بروید.

طبق آنچه که بنده اطلاع دارم بعد از پیغام مقام معظم رهبری، آن‌ها در رسانه‌های خودشان واژه "هفته برائت" را بیان نکردند. ما هم نباید فتنه خفته را بیدار کنیم و دائماً به مُرده لگد بزنیم. زمانی که قضیه تمام شد و رفت ما نباید دومرتبه آن را بیان کنیم.

آن‌ها کار اشتباهی کردند و در جلسه گذشته هم عرض کردم آقای «محمدی گلپایگانی (حفظه الله تعالی)» در جلسه‌ای که ما در بنیاد بین المللی غدیر داشتیم در حضور آقایان «امامی کاشانی»، آیت الله خزعلی و «سردار صفوی» بودند این قضیه را بیان کردند.

ایشان گفتند که مقام معظم رهبری به این افراد پیام داد و اعلام کرد که اگر این کار تکرار شود جایتان در ایران نیست. لذا قضیه تمام شد و رفت.

دقت کنید یکی از گلایه‌های ما از دوستان این است که تنها واژه "شیعه انگلیسی" را مطرح می‌کنند. مقام معظم رهبری دو واژه مطرح کردند؛ "شیعه انگلیسی" و "سنی آمریکایی". چرا این افراد "سنی آمریکایی" را مطرح نمی‌کنند و اصلاً درباره آن حرفی نمی‌زنند؟ چرا این افراد تنها به "شیعه انگلیسی" چسبیدند؟!

اگر واقعاً تابع رهبری هستید، مقام معظم رهبری این دو را کنار هم گذاشتند و گفتند که هردو برای اسلام ضرر دارند و هردو موجب افساد جامعه هستند؛ چه "شیعه انگلیسی" باشد و چه "سنی آمریکایی" باشد. ما همانطور که ویژگی‌های "شیعه انگلیسی" را مطرح می‌کنیم، که باید هم باشد، باید درباره سنی آمریکایی هم صحبت بکنیم.

سال گذشته در تبریز همایشی برای فرماندهان سپاه استان برگزار شده بود که اصلاً موضوع همایششان بررسی ویژگی‌های "شیعه انگلیسی" و راهکارهای مبارزه با آن‌ها بود. سخنرانی اصلی این همایش بنده بودم. دوستان در آنجا صحبت‌هایی داشتند که خیلی خوب بود، اما ویژگی‌های "سنی آمریکایی" در آنجا بیان نشد.

این در حقیقت خلاصه سؤالاتی بود که دوستان داده بودند. ان شاءالله فردا شب همین بحث راهکارهای مبارزه با تفرقه و ایجاد وحدت را ادامه خواهیم داد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته